

بررسی رابطه هوش معنوی با هوش هیجانی در بین دختران دانشجوی

دانشگاه الزهرا(س)

تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۶/۱۵	سیمین حسینیان ^۱
تاریخ تأیید مقاله: ۸۹/۱۱/۱۲	مهرانگیز شعاع کاظمی ^۲
صفحات مقاله: ۷-۲۶	زهرا چابکی نژاد ^۳

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه هوش معنوی با هوش هیجانی در بین دختران دانشجوی دانشگاه الزهرا(س) شهر تهران که در سال تحصیلی ۸۹-۸۸ مشغول به تحصیل می باشند انجام گرفته شده است، ابزار مورد استفاده در این تحقیق عبارتند از پرسشنامه هوش معنوی ناصری با ۹۷ سوال و پرسشنامه هوش هیجانی بار-آن با ۹۰ سوال که به منظور بررسی رابطه بین متغیرهای پژوهش (هوش معنوی، هوش هیجانی) بر روی نمونه پژوهش که شامل ۲۰۲ نفر از دختران دانشجوی می باشد اجرا گردیده، به منظور آزمون فرضیه پژوهش از روش آماری همبستگی استفاده گردید و نتایج حاصل نشان داد که بین هوش معنوی و هوش هیجانی رابطه معناداری وجود دارد به این معنی که هر چه افراد از هوش معنوی بالاتری برخوردار باشند از نظر هوش هیجانی نیز در سطح بالاتری قرار دارند.

* * * * *

کلیدواژه:

هوش معنوی، هوش هیجانی، دختران دانشجوی

۱. استاد روان شناسی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه الزهرا (س)
hosseinian@alzahra.ac.ir
۲. استادیار روانشناسی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه الزهرا (س)
۳. کارشناس ارشد راهنمایی و مشاوره

مقدمه

هم‌پوشی معنویت و هوش در سالهای اخیر، هم در تحقیقات تجربی و هم در تئوریهای علمی مورد توجه قرار گرفته است. مفهوم هوش معنوی دارای قابلیت است که هم ناسازگاری یافته‌های تحقیقات در روانشناسی مذهبی و معنویت را کامل می‌کند و هم دیدگاهی جدید را در مورد اساس رفتار معنوی برای تحقیقات آتی فراهم می‌نماید. یکی از ابعاد مهم هوش معنوی شناخت و بصیرت افراد نسبت به خود است که در درک و تنظیم هیجان‌ات توسط خود فرد دیده می‌شود تا زمانی که فرد از نظر هیجانی در سطح بالایی قرار نداشته باشد نمی‌تواند ویژگی مثل بخشش، صداقت و مهربانی را دارا باشد.

هوش معنوی پایه و اساس ضروری برای عملکرد مؤثر هوش منطقی و هوش هیجانی می‌باشد. هوش معنوی، هوش بنیادی و اساسی ما می‌باشد.

امونز^۱ (۱۹۹۹) معتقد است که هوش معنوی سازه‌های معنویت و هوش را در درون یک سازه جدید ترکیب می‌کند در حالی که معنویت با جستجو و تجربه عناصر مقدس، معنا و هوشیاری به اوج می‌رسد و با تعالی در ارتباط است. هوش معنوی مستلزم توانایی است که از چنین موضوعات معنوی برای تطابق و کنش اثربخش و تولید محصولات و پیامدهای با ارزش استفاده می‌کند. وی هشت مؤلفه را به عنوان مؤلفه‌های اصلی برای هوش معنوی بیان می‌کند که شامل ۱- شکیبایی، ۲- باورها و اعمال معنوی و مذهبی، ۳- معنا و هدف در زندگی، ۴- الوهیت، ۵- آرامش درون، ۶- تجربیات معنوی، ۷- شناخت خود و ۸- بخشش می‌باشد.

از نظر امونز (۲۰۰۰) هوش معنوی کاربرد انطباقی اطلاعات معنوی در جهت

^۱ Emmons

حل مسئله در زندگی روزانه و فرایند دستیابی به هدف می‌باشد.

بار-ان^۱ (۱۹۹۷) معتقد است که هوش هیجانی، مجموعه‌ای از توانایی‌ها، قابلیت‌ها و مهارت‌هایی است که فرد را برای سازگاری با محیط و کسب موفقیت در زندگی تجهیز می‌کند (سموعی، ۱۳۸۱).

هوش معنوی به واسطه کنش آن در یک پارچه کردن هوش عقلانی و هوش هیجانی بایستی بعد از این دو هوش گسترش یابد. این کنش یک پارچه کننده هوش معنوی تعامل بین فرایندهای تفکر منطقی و هیجان را تسهیل می‌کند و این قابلیت را نیز دارد که نتیجه تعامل آنها را به کلی تغییر دهد و بدین واسطه موجب رشد و دگرگونی شخص شود.

به عقیده زهر و مارشال^۲ (۲۰۰۰) هوش معنوی پایه و اساس لازم و ضروری برای عملکرد مؤثر هوش هیجانی می‌باشد در نتیجه افرادی که از هوش معنوی بالایی برخوردارند بالتبع از هوش هیجانی خوبی نیز برخوردارند.

از دیدگاه واگن^۳ (۲۰۰۲) یکی از ابعاد هوش معنوی شناخت و بصیرت افراد نسبت به خویشان است که افراد با استفاده از این شناخت و بصیرت به تنظیم هیجانات خود می‌پردازند از طرف دیگر تا افراد از نظر هوش هیجانی در سطح بالایی قرار نداشته باشند نمی‌توانند از ویژگی‌هایی مثل بخشش و صداقت و غیره برخوردار باشند.

رستمی (۱۳۸۴) پژوهشی انجام داد با عنوان رابطه بین هوش هیجانی و وضعیت مذهبی و به این نتیجه رسید که بین هوش هیجانی و وضعیت مذهبی رابطه معناداری وجود دارد.

^۱ Bar- on

^۲ Zohar & marshall

^۳ Vaughan

سیف الهی (۱۳۸۸) به منظور بررسی مقایسه ای هوش هیجانی و نگرش مذهبی بین دو گروه از دختران محروم از والدین ساکن مراکز شبانه روزی دختران معلول شهر کرمان که در محدوده سنی ۱۵ تا ۱۸ سال قرار دارند پژوهشی انجام داد و به این نتیجه رسید که میزان هیجانات منفی مانند احساس گناه و حقارت، افسردگی، اضطراب و پرخاشگری در کودکان و نوجوانان محروم بیشتر از کودکان و نوجوانان معمولی است و مشکلات رفتاری - هیجانی بیش - تری در این کودکان و نوجوانان گزارش شده است.

صیادی، جمالی، غفوری (۱۳۸۸) درباره بررسی رابطه اعتقاد به آموزه های مذهبی اسلام و هوش هیجانی دانشجویان، بررسی نقش آموزه های مذهبی در کاهش سلامت روحی و روانی جوامع عصر حاضر موضوع تحقیقات فراوانی بوده است. اما اندکی از این مطالعات سعی در بررسی رابطه مذهب و هوش هیجانی داشته اند. در همین راستا این پژوهش به بررسی رابطه این دو متغیر در دانشجویان دختر مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه یزد پرداخته است، نتایج این مطالعه حاکی از آن است که بین سطح هوش هیجانی و اعتقاد مذهبی رابطه مثبت، مستقیم و معناداری وجود دارد. به طوری که رشد و تقویت اعتقاد مذهبی، باعث افزایش توان کنترل احساسات هیجانات درونی خود و دیگران و به عبارتی بهبود سطح هوش هیجانی جامعه می گردد. همچنین بیش ترین ضریب همبستگی بین بعد حل مسأله و اعتقادات مذهبی وجود دارد. همچنین در مجموع تحقیقاتی که توسط غباری بناب، خدایاری فرد، قریشی راد، یوسفی، ابوالقاسمی، واعظی، دولتشاهی و پهلوانی (۱۳۷۶ و ۱۳۸۰) انجام گرفته است همگی حاکی است که مذهب از ایجاد دیدگاه منفی در زندگی جلوگیری می کند، مذهب شیوه های مقابله ای مناسب تری را پیشنهاد می نماید و راهبردهای ویژه ای برای کنار آمدن

با مشکلات و ایجاد و حفظ سلامت و بهداشت روان ارائه می‌دهد.

اسکات و همکاران^۱(۲۰۰۱) با هفت مطالعه مستقل نتیجه گرفتند که افرادی که هوش هیجانی بالایی دارند توانایی همدلی و خود کنترلی بیشتری در موقعیتهای اجتماعی داشته و مهارتهای اجتماعی بیشتری از خود نشان می‌دهند، از این رو با والدین خود بیشتر مشارکت می‌کنند و روابط عاطفی بیشتری با دیگران دارند.

بلاویچ^۲(۱۹۹۵) در تحقیقی پیرامون نقش مذهب در کاهش مشاجرات روزانه و سازگاری نتیجه گرفت که روش مقابله مذهبی تأثیر بیشتری بر سازگاری دارد تا روشهای مقابله غیر مذهبی این تحقیق بر روی ۲۲۲ نفر از دانشجویان کالج انجام شد.

پرتایوای و همکاران^۳(۲۰۰۹) پژوهشی انجام دادند با عنوان تأثیر هوش معنوی و هیجانی در زبان آموزی دانش آموزان و بیان نمودند که رابطه معناداری بین سطوح هوش هیجانی و هوش معنوی و میزان موفقیت دانش آموزان در استفاده از زبان وجود دارد.

توماس و هافر^۴(۲۰۰۹) مدلی از هوش معنوی و هوش هیجانی و اجرای آن را ارائه دادند و به این نتیجه رسیدند که بین هوش معنوی و هوش هیجانی رابطه وجود دارد.

جیولا و همکاران^۵(۲۰۰۴) که در رابطه با هوش هیجانی و تحول معنوی

^۱-Schutt & etal

^۲-Blavich

^۳-Pertiwi & etal

^۴-Thomas & hafer

^۵-Geula & etal

پژوهشی انجام دادند، نتیجه گرفتند هوش هیجانی و توسعه معنوی برای رسیدن به هدف کلی زندگی افراد لازم است.

هارمر و فالن^۱ (۲۰۰۹) تحقیقی بر روی کارمندان سازمانی انجام دادند با عنوان نقش هوش هیجانی در پیگیری یک زندگی معنوی و به این نتیجه رسیدند که افزایش معنویت افراد می‌تواند هوش هیجانی آنها را افزایش دهد.

روش تحقیق

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه هوش معنوی با هوش هیجانی در بین دختران دانشجوی دانشگاه الزهرا(س) شهر تهران که در سال تحصیلی ۸۹-۸۸ مشغول به تحصیل می‌باشند انجام شده است.

جامعه آماری این پژوهش را کلیه دانشجویان دانشگاه الزهرا (س) تشکیل می‌دهند. نمونه آماری پژوهش فعلی شامل ۲۰۲ نفر از این دانشجویان می‌باشد که به صورت کاملاً تصادفی انتخاب و مورد بررسی قرار گرفته اند. روش تحقیق به کار رفته در این پژوهش روش توصیفی و از نوع همبستگی می‌باشد. لازم به ذکر است که به منظور آزمون فرضیه پژوهش از روش همبستگی پیرسون استفاده شده است.

ابزار سنجش

در این پژوهش با توجه به دو متغیر مورد بررسی که شامل هوش معنوی و هوش هیجانی می‌باشد از پرسشنامه های هوش معنوی ناصری (۱۳۸۶) و پرسشنامه هوش هیجانی بار-ان (۱۹۹۵) استفاده شده است.

^۱ -Harmer & fullon

توصیف ابزارهای مورد استفاده و روایی و پایایی آن:

آزمون هوش معنوی

ناسل (۲۰۰۴) معتقد است سازه هوش معنوی به تازگی در ادبیات روانشناسی پدیدار شده است. این سازه علائق ذهنی مربوط به معنویت را با تجربه‌های مقدس، دل‌جویی و دل‌مشغولی‌های وجودی و تکالیف بیرونی جهان واقعی ادغام می‌کند و زمینه عمیق‌تر و وسیع‌تری را برای استفاده از هوش‌های شناخته شده فراهم می‌کند. هوش معنوی با مفهوم تقدس در ارتباط می‌باشد و به واسطه کاربرد عملی منابع و توانایی‌های مرتبط با معنویت ابراز می‌شود (به نقل از ناصری، ۱۳۸۶).

هشت مؤلفه هوش معنوی به نام شکیبایی، باورها و اعمال معنوی و مذهبی، معنا و هدف در زندگی، الوهیت، آرامش درون، تجربیات معنوی، شناخت خود و بخشش به عنوان مؤلفه‌های اصلی هوش معنوی در فرهنگ غالب ایران در نظر گرفته شدند. سپس با استفاده از متون موجود درباره مفهوم هوش معنوی و منابع داخلی، پرسشنامه ۱۰۸ سؤالی برای سنجش هر یک از این عوامل در سال ۸۶-۸۷ توسط ناصری تهیه و اجرا شد و بعد از بررسی نهایی و با توجه به فرهنگ ایران پرسشنامه ای ۹۷ سؤالی تهیه و تنظیم کرد.

درنمره گذاری این پرسشنامه از روش لیکرت استفاده می‌شود که از الگوی یک تا چهار پیروی می‌کند. به عبارتی دیگر گزینه هرگز نمره (۱)، به ندرت (۲)، اغلب (۳)، تقریباً همیشه (۴) دریافت می‌کند.

اعتبار و روایی پرسشنامه هوش معنوی

پرسشنامه هوش معنوی توسط ناصری در سال ۸۶-۸۷ در بین دانشجویان دانشگاه

علامه طباطبایی اجرا و جهت بررسی پایایی مجموعه سؤالات پرسشنامه از آلفای کرونباخ استفاده شد که ضریب پایایی آن برابر با ۰.۹۵٪ تعیین گردید. روایی آزمون نیز از طریق روایی صوری (تأیید پاسخ دهندگان) و روایی محتوایی (متخصصان) بررسی شد (ناصری، ۱۳۸۶).

آزمون هوش هیجانی

این آزمون دارای ۹۰ سؤال و ۱۵ خرده مقیاس است که این خرده مقیاسها عبارتند از:

- ۱- خود آگاهی هیجانی ۲- خود ابرازی ۳- عزت نفس ۴- خود شکوفایی
- ۵- استقلال ۶- همدلی ۷- مسئولیت پذیری اجتماعی ۸- روابط بین فردی ۹-
- واقع گرایی ۱۰- انعطاف پذیری ۱۱- حل مسأله ۱۲- تحمل فشار روانی ۱۳-
- کنترل تکانش ۱۴- خوش بینی ۱۵- شادمانی

گزینه‌ها بر روی یک طیف ۵ درجه‌ای لیکرت تنظیم شده‌اند، نمره‌گذاری از ۵ به ۱ (کاملاً موافقم ۵ و کاملاً مخالفم ۱) و در بعضی از سؤالات با محتوای منفی یا معکوس از ۱ به ۵ (کاملاً موافقم ۱ و کاملاً مخالفم ۵) انجام می‌شود. نمره کل هر مقیاس برابر با مجموع نمرات هریک از سؤالات آن مقیاس و نمره کل آزمون برابر با مجموع نمرات ۱۵ خرده مقیاس است. کسب نمره بالا در این آزمون نشانگر هوش هیجانی مطلوب و کسب نمره پایین به معنای هوش هیجانی پایین است. افراد از سن ۱۸ سال تا سنین بالاتر، مشروط بر این که حد متعارفی از تحصیلات را (حداقل دیپلم) داشته باشند، می‌توانند به این آزمون پاسخ دهند.

اعتبار و روایی آزمون هوش هیجانی

این آزمون برای هنجاریابی بر روی ۵۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه آزاد و دولتی

اجرا شد. این دانشجویان از رشته‌های مختلف بوده و طیف سنی ۱۸ تا ۴۰ سال را تشکیل می‌دادند. پایایی آزمون از طریق محاسبه آلفای کرونباخ ۰/۹۳ و به روش زوج-فرد ۰/۸۸ گزارش شد که نشان دهنده قابلیت کاربرد آزمون برای مقاصد مختلف است.

دهشیری (۱۳۸۲) نیز آزمون هوش هیجانی بار-ان را در بین دانشجویان شهر تهران هنجاریابی کرده برای این کار ۵۲۰ نفر از دانشجویان را به شیوه نمونه-گیری خوشه‌ای انتخاب کرد و ضریب پایایی به روش محاسبه آلفای کرونباخ ۰/۷۳ و با استفاده از روش بازآزمایی بعد از یک ماه ۰/۷۳ گزارش گردید. پایایی آزمون برای نمونه پژوهش کنونی از طریق آلفای کرونباخ ۰/۷۱ به دست آمد (سموعی، ۱۳۸۱).

یافته ها

- تحلیل توصیفی :
- مشخصات فردی

در این قسمت برای آگاهی از سیمای کلی پاسخگویان به بررسی ویژگی‌های فردی پاسخگویان مانند جنس، سن، سطح تحصیلات و غیره می‌پردازیم.

- جنس

همان‌گونه که جدول توزیع فراوانی متغیر جنسیت نشان می‌دهد، تمام پاسخگویان از دانشجویان دختر خوابگاه دانشگاه الزهراء انتخاب شده است.

جدول (۱): توزیع فراوانی و درصد متغیر جنسیت

جنسیت	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
مونث	۱۷۷	۸۷.۶	۱۰۰.۰	۱۰۰.۰
بدون پاسخ	۲۵	۱۲.۴		
جمع	۲۰۲	۱۰۰.۰		

جدول (۲): توزیع فراوانی و درصد متغیر رشته تحصیلی

رشته تحصیلی	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
مشاوره	۳۰	۱۴.۹	۱۷.۴	۱۷.۴
مطالعات خانواده	۱۵	۷.۴	۸.۷	۲۶.۲
فلسفه	۳	۱.۵	۱.۷	۲۷.۹
تربیت بدنی	۹	۴.۵	۵.۲	۳۳.۱
هنر	۱۱	۵.۴	۶.۴	۳۹.۵
میکروبیولوژی	۵	۲.۵	۲.۹	۴۲.۴
زیست	۴	۲.۰	۲.۳	۴۴.۸
حسابداری	۴	۲.۰	۲.۳	۴۷.۱
روانشناسی	۴	۲.۰	۲.۳	۴۹.۴
گرافیک	۳	۱.۵	۱.۷	۵۱.۲
کتابداری	۲	۱.۰	۱.۲	۵۲.۳
علوم تربیتی	۳	۱.۵	۱.۷	۵۴.۱
مدیریت	۵	۲.۵	۲.۹	۵۷.۰
الهیات	۶	۳.۰	۳.۵	۶۰.۵
زبان انگلیسی	۶	۳.۰	۳.۵	۶۴.۰
ادبیات	۶	۳.۰	۳.۵	۶۷.۴
علوم اجتماعی	۱	۰.۵	۰.۶	۶۸.۰
شیمی	۶	۳.۰	۳.۵	۷۱.۵
سایر	۴۹	۲۴.۳	۲۸.۵	۱۰۰.۰
جمع	۱۷۲	۸۵.۱	۱۰۰.۰	
بدون پاسخ	۳۰	۱۴.۹		
جمع		۲۰۲		

جدول(۳): توزیع فراوانی و درصد مربوط به وضعیت تاهل - مجرد دانشجویان گروه نمونه

وضعیت تاهل	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
مجرد	۱۵۶	۷۷.۲	۸۵.۷	۸۵.۷
متاهل	۲۶	۱۲.۹	۱۴.۳	۱۰۰.۰
جمع	۱۸۲	۹۰.۱	۱۰۰.۰	
بدون پاسخ	۲۰	۹.۹		
جمع	۲۰۲	۱۰۰.۰		

از مجموع ۱۸۲ نفری که به این سؤال پاسخ داده بودند ۱۵۶ نفر مجرد و ۲۶ نفر متاهل بوده‌اند. به عبارت دیگر تقریباً ۸۶٪ از آنها مجرد و ۱۴٪ آنها متاهل بوده‌اند. ۲۰ نفر نیز به این سؤال پاسخی ندادند.

جدول(۴): توزیع فراوانی و درصد متغیر مقطع تحصیلی دانشجویان گروه نمونه

مقطع تحصیلی	فراوانی	درصد	درصد تجمعی	درصد معتبر
فوق دیپلم و پایین تر	۸	۴.۰	۴.۷	۴.۷
لیسانس	۱۰۱	۵۰.۰	۶۳.۷	۵۹.۱
فوق لیسانس	۶۰	۲۹.۷	۹۸.۸	۳۵.۱
دکتر	۲	۱.۰	۱۰۰.۰	۱.۲
جمع	۱۷۱	۸۴.۷		۱۰۰.۰
بدون پاسخ	۳۱	۱۵.۳		
جمع	۲۰۲	۱۰۰.۰		

از مجموع ۱۷۱ نفری که به این سؤال پاسخ دادند ۸ نفر (۴٪) خود را فوق دیپلم و دیپلم معرفی کردند، ۱۰۱ نفر (۵۰٪) لیسانس، ۶۰ نفر (۲۹٪) فوق لیسانس و ۲ نفر (۱٪) مقطع تحصیلی خود را دکترا معرفی کرده‌اند.

جدول (۵): توزیع فراوانی و درصد متغیر سنی دانشجویان گروه نمونه

سن	فراوانی	درصد	درصد معتبر	درصد تجمعی
۱۸	۲	۱.۰	۱.۱	۱.۱
۱۹	۱۲	۵.۹	۶.۸	۷.۹
۲۰	۳۰	۱۴.۹	۱۶.۹	۲۴.۹
۲۱	۳۰	۱۴.۹	۱۶.۹	۴۱.۸
۲۲	۲۲	۱۰.۹	۱۲.۴	۵۴.۲
۲۳	۱۲	۵.۹	۶.۸	۶۱.۰
۲۴	۱۷	۸.۲	۹.۶	۷۰.۶
۲۵	۱۸	۸.۹	۱۰.۲	۸۰.۸
۲۶	۱۳	۶.۴	۷.۳	۸۸.۱
۲۷	۱۳	۶.۴	۷.۳	۹۵.۵
۲۸	۷	۳.۵	۴.۰	۹۹.۴
۲۹	۱	۰.۵	۰.۶	۱۰۰.۰
جمع	۱۷۷	۸۷.۶	۱۰۰.۰	
بدون پاسخ	۲۵	۱۲.۴		
جمع	۲۰۲	۱۰۰.۰		

از مجموع ۱۷۷ نفر که به این سؤال پاسخ داده بودند و در سنین ۱۸ تا ۲۹ سال قرار داشتند، بیشترین فراوانی را سن ۲۰ و ۲۱ سال به خود اختصاص داد و کمترین فراوانی به سن ۲۹ سال مربوط بود و ۲۵ نفر نیز به این سؤال پاسخی نداده‌اند.

جدول (۶): شاخصهای آماری نمرات مؤلفه های هوش هیجانی

مؤلفه ها	تعداد	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف استاندارد
حل مسئله	۲۰۲	۲.۱۷	۵.۰۰	۳.۷۶۴۷	۰.۵۳۱۸۲
خوشبختی	۲۰۲	۱.۶۷	۵.۰۰	۳.۸۶۹۶	۰.۶۶۷۷۱
استقلال	۲۰۲	۱.۵۰	۵.۰۰	۳.۵۸۲۸	۰.۶۲۶۴۲
تحمل فشار روانی	۲۰۲	۱.۳۳	۵.۰۰	۳.۲۴۶۵	۰.۶۸۹۱۷
خودشکوفایی	۲۰۲	۲.۰۰	۵.۰۰	۳.۸۲۴۸	۰.۶۳۹۴۲
خودآگاهی هیجانی	۲۰۲	۲.۰۰	۵.۰۰	۳.۷۲۰۵	۰.۵۹۴۷۹
واقع گرایی	۲۰۲	۱.۵۰	۴.۸۳	۳.۳۰۸۳	۰.۶۰۹۶۵
روابط بین فردی	۲۰۲	۱.۸۳	۵.۰۰	۳.۹۶۷۳	۰.۵۹۲۸۳
خوش بینی	۲۰۲	۱.۵۰	۵.۰۰	۳.۷۹۹۸	۰.۶۵۴۶۰
عزت نفس	۲۰۲	۲.۰۰	۵.۰۰	۳.۷۶۴۶	۰.۶۳۹۹۳
کنترل تکانش	۲۰۲	۲.۵۰	۵.۰۰	۳.۱۷۱۰	۰.۸۱۷۴۹
انعطاف پذیری	۲۰۲	۱.۵۰	۴.۸۳	۳.۲۵۲۶	۰.۶۰۸۸۸
مسئولیت پذیری	۲۰۲	۲.۵۰	۵.۰۰	۴.۲۱۲۱	۰.۴۸۱۷۲
همدلی	۲۰۲	۲.۳۳	۵.۰۰	۴.۱۶۳۰	۰.۵۳۰۹۳
خود ابرازی	۲۰۲	۱.۵۰	۵.۰۰	۳.۲۵۵	۰.۶۴۰۷۲

جدول (۷): شاخصهای آماری نمرات مؤلفه های هوش معنوی

مؤلفه ها	تعداد	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف استاندارد
هوش شکیبایی	۲۰۲	۱.۸۳	۲.۹۲	۲.۳۸۳۳	۰.۲۳۷۴۸
باورها و اعمال معنوی	۲۰۲	۲.۱۸	۳.۶۴	۲.۸۰۴۴	۰.۲۸۴۹۳
معنا و هدف در زندگی	۲۰۲	۲.۰۰	۲.۹۰	۲.۴۳۰۸	۰.۱۸۲۷۱
الوهیت	۲۰۲	۲.۲۵	۳.۶۲	۲.۸۱۲۹	۰.۲۵۸۸۶
آرامش درون	۲۰۲	۱.۶۴	۳.۰۹	۲.۴۵۸۸	۰.۲۱۵۱۸
تجربه های معنوی	۲۰۲	۲.۲۰	۴.۰۰	۳.۲۵۹۳	۰.۳۳۴۲۶
شناخت خود	۲۰۲	۲.۳۵	۳.۴۵	۲.۹۷۶۶	۰.۲۳۰۳۴
بخشش	۲۰۲	۲.۴۲	۳.۵۸	۳.۰۳۳۱	۰.۲۴۱۰۶

فرضیه پژوهش

بین هوش معنوی و هوش هیجانی رابطه معنا داری وجود دارد.

جدول (۸): نتایج همبستگی بین نمرات هوش معنوی و هوش هیجانی با

استفاده از فرمول پیرسون

۰/۴۵۱	ضریب همبستگی (r)
۰۰۰۰	P

پس در سطح اطمینان ۹۵٪ می توان گفت بین هوش $r = 0/45$ و $P < 0/001$ می باشد. با توجه به جدول شماره (۸) از آنجا که هوش معنوی و هوش هیجانی همبستگی معناداری وجود دارد در نتیجه فرض صفر رد می شود. بحث و نتیجه گیری:

یافته های پژوهش حاضر نشان داد که بین هوش معنوی و هوش هیجانی همبستگی بالایی وجود دارد و این دو متغیر با هم رابطه معناداری دارند. پژوهش فعلی با پژوهشهای مشابه دیگری که در این زمینه صورت گرفته همخوانی دارد. با توجه به جدول شماره (۸) و از آنجا که $P < 0/001$ و $r = 0/45$ می باشد، می توان گفت در سطح اطمینان ۹۵٪ همبستگی بین هوش معنوی و هوش هیجانی وجود دارد. همچنین با توجه به نظر محققین و پژوهشگرانی هم چون زهر و مارشال (۲۰۰۰) هوش معنوی پایه و اساس لازم و ضروری برای عملکرد مؤثر هوش هیجانی می باشد در نتیجه افرادی که هوش معنوی بالایی دارند از هوش هیجانی خوبی نیز برخوردارند.

از دیدگاه واگن (۲۰۰۲) یکی از ابعاد هوش معنوی، شناخت و بصیرت افراد

نسبت به خویشتن است که افراد با استفاده از این شناخت و بصیرت هیجانان خود را تنظیم می‌کنند. از طرف دیگر تا زمانی که افراد از نظر هوش هیجانی در سطح بالایی نباشند نمی‌توانند ویژگی‌هایی مثل بخشش و صداقت و غیره را داشته باشند.

با نظر به پژوهشی که ورس در سال (۲۰۰۷) به نقل از ناصری (۱۳۸۶) انجام داد، بیان کرد که هوش معنوی و هوش هیجانی مکمل هستند. وی معتقد است تا هوش معنوی نباشد هوش هیجانی نیز در افراد رشد نمی‌کند و برعکس. ورس مرتبط بودن دو هوش را با یکدیگر تأیید می‌کند. پژوهشی که رستمی (۱۳۸۴) انجام داد با عنوان رابطه بین هوش هیجانی و وضعیت مذهبی به این نتیجه رسید که بین هوش هیجانی و وضعیت مذهبی رابطه معناداری وجود دارد. این پژوهش با پژوهش فعلی همسو می‌باشد.

سیف‌الهی (۱۳۸۸) به منظور بررسی مقایسه‌ای هوش هیجانی و نگرش مذهبی بین دو گروه دختر محروم از والدین که در مراکز شبانه‌روزی دختران معلولی در شهر کرمان ساکن هستند و در محدوده سنی ۱۵ تا ۱۸ سال قرار دارند پژوهشی انجام داد. وی به این نتیجه رسید که میزان هیجانان منفی مانند احساس گناه و حقارت، افسردگی و اضطراب و پرخاشگری در کودکان و نوجوانان محروم بالاتر از کودکان و نوجوانان معمولی بوده است و مشکلات رفتاری-هیجانی بیش‌تری در این کودکان و نوجوانان گزارش شده است.

صیادی، جمالی، غفوری (۱۳۸۸) درباره رابطه اعتقاد به آموزه‌های مذهبی اسلام و هوش هیجانی دانشجویان، بررسی نقش آموزه‌های مذهبی در کاهش سلامت روحی و روانی جوامع عصر حاضر تحقیقات فراوانی انجام داده‌اند، اما اندکی از این مطالعات سعی در بررسی رابطه مذهب و هوش هیجانی داشته‌اند.

در همین راستا این پژوهش به بررسی رابطه این دو متغیر در دانشجویان دختر مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه یزد پرداخته است. نتایج این مطالعه حاکی از آن است که بین سطح هوش هیجانی و اعتقاد مذهبی رابطه مثبت، مستقیم و معناداری وجود دارد. به طوری که رشد و تقویت اعتقاد مذهبی، باعث افزایش توان کنترل احساسات هیجانانگیز درونی خود و دیگران و یا به عبارتی باعث بهبود سطح هوش هیجانی جامعه می‌شود. همچنین بیشترین ضریب همبستگی بین بعد حل مسأله و اعتقادات مذهبی وجود دارد. همچنین تمام تحقیقاتی که توسط غباری بناب، خدایاری فرد، قریشی راد، یوسفی، ابوالقاسمی، واعظی، دولتشاهی و پهلوانی (۱۳۷۶ و ۱۳۸۰) انجام شده است، حاکی از این هستند که مذهب از ایجاد دیدگاه منفی در زندگی جلوگیری می‌کند، مذهب شیوه‌های مقابله‌ای مناسب - تری را پیشنهاد می‌نماید و راهبردهای ویژه‌ای را برای کنار آمدن با مشکلات و ایجاد و حفظ سلامت و بهداشت روان ارائه می‌دهد.

اسکات و همکاران (۲۰۰۱) با هفت مطالعه مستقل نتیجه گرفتند افرادی که هوش هیجانی بالایی دارند توانایی همدلی و خود کنترلی بیشتری در موقعیت‌های اجتماعی داشته و مهارت‌های اجتماعی بیشتری را از خود نشان می‌دهند، با والدین خود بیشتر مشارکت می‌کنند و روابط عاطفی بیشتری با دیگران دارند. از سوی دیگر بلاویچ (۱۹۹۵) در تحقیقی پیرامون نقش مذهب در کاهش مشاجره‌های روزانه و سازگاری که بر روی ۲۲۲ نفر از دانشجویان کالج انجام شد، نتیجه گرفت روش مقابله مذهبی تأثیر بیشتری بر سازگاری دارد تا روش‌های مقابله غیر مذهبی. تحقیقات مذکور هیچ‌کدام با تحقیق فعلی همسو نیستند. از طرف دیگر تحقیقاتی که توسط پرتایوای و همکاران (۲۰۰۹) پژوهشی انجام دادند با عنوان تأثیر هوش معنوی و هیجانی در زبان آموزی دانش‌آموزان

بیان نمودند رابطه معناداری بین سطوح هوش هیجانی و هوش معنوی و میزان موفقیت دانش‌آموزان در استفاده از زبان وجود دارد.

همچنین پژوهش توماس و هافر (۲۰۰۹) مدلی از هوش معنوی و هوش هیجانی و اجرای آن را بیان کردند و به این نتیجه رسیدند که رابطه‌ای بین هوش معنوی و هوش هیجانی وجود دارد.

جیولا و همکاران (۲۰۰۴) که در رابطه با هوش هیجانی و تحول معنوی پژوهشی انجام دادند. آن‌ها نتیجه گرفتند هوش هیجانی و توسعه معنوی برای رسیدن به هدف کلی زندگی افراد لازم است و با پژوهش حاضر هماهنگ و همسو می‌باشد.

سالسمن و همکاران (۲۰۰۵) رابطه بین مذهب و معنویت و سازگاری روان-شناختی را با خوش بینی مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که بین مذهب و معنویت و سازگاری با خوش بینی رابطه معناداری وجود دارد.

تحقیق حاضر با پژوهش هارمر و فالن (۲۰۰۹) که تحقیقی را با عنوان نقش هوش هیجانی در پیگیری یک زندگی معنوی بر روی کارمندان سازمانی انجام دادند و به این نتیجه رسیدند که افزایش معنویت در افراد می‌تواند هوش هیجانی آنها را افزایش دهد و با پژوهش حاضر هماهنگ و همسو می‌باشد.

استنباط محقق در مورد وجود رابطه میان هوش معنوی و هوش هیجانی می‌تواند قابل قبول و پذیرفته شده باشد زیرا زمینه ژنتیکی و اکتسابی هوش می‌تواند تأیید کننده این مطلب باشد که عملکرد و کارکرد مناسب یکی از انواع هوش می‌تواند زمینه رشد و شکوفایی دیگری را در انسان فراهم کند. همچنین وجود مؤلفه‌های مشابه در هوش معنوی و هوش هیجانی (مثل سازگاری، کنترل خود و غیره) درستی مطالب فوق را تأیید می‌کند.

در نتیجه با توجه به این مطالب و با نظر به پژوهش‌های مشابه انجام شده در این زمینه می‌توان با اطمینان بیشتری به صحت و سقم این فرضیه پی برد.

منابع

- رستمی نیا، نادیا، (۱۳۸۳) بررسی رابطه وضعیت مذهبی با هوش هیجانی در دانشجویان مقطع پیش دانشگاهی شهر تهران در سال تحصیلی (۸۳-۸۴)، مجله نوآوری های آموزشی.
- سموعی، راحله، (۱۳۸۳) ترجمه و هنجاریابی آزمون هوش هیجانی بار-ان، تهران، مؤسسه تحقیقاتی روان تجهیز سینا.
- سیف الهی، مهدیه، (۱۳۸۸) بررسی مقایسه ای هوش هیجانی و نگرش مذهبی در دختران محروم از والدین با دختران معمولی شهر کرمان، پایان نامه کارشناسی ارشد روان شناسی عمومی، دانشگاه الزهرا.
- صیادی، نورالحسین، جمالی، رضا، غفوری، حبیب الله، (۱۳۸۶) بررسی رابطه آموزه های اسلام و هوش هیجانی دانشجویان دختر کارشناسی ارشد دانشگاه یزد، مجله اندیشه نوین دینی.
- عطاری، یوسف علی، جمالی، ابولفضل، مهرابی، مهناز، (۱۳۸۵) بررسی رابطه ساده و چند گانه نگرش مذهبی، خوش بینی و سبک های دل بستگی با رضایت از زناشویی مردان متأهل دانشگاه اهواز، مجله علوم تربیتی و روان شناسی.
- غباری بناب، باقر، (۱۳۸۰) توکل به خداوند متعال به عنوان راهبرد حل مشکلات زندگی، همایش دین و بهداشت روان.

ناصری، اسماعیل، (۱۳۸۶) بررسی مفهوم مؤلفه های هوش معنوی و ساخت ابزاری برای سنجش آن در بین دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.

نویخت، محمد، (۱۳۷۳) بررسی رابطه بین قضاوت اخلاقی و منبع کنترل در بین دانش آموزان پسر و دختر کلاس سوم متوسطه شهر استهبان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.

-Blavich, t.g. (۱۹۹۵). the role of religion in coping with dialy hassles. paper presented at the annual convention of the American psychological association, elosrd, newyork, ny, august, ۱۱-۱۵.

- Emmons, r. (۱۹۹۹). the psychology of altimate concerns: motivation and spirituality in personality. Newyork: Guilford.

- Emmons, r. (۲۰۰۰a). is spirituality an intelligence? motivation, cognition and psychology of the ultimate concern. International journal for the psychology of religion, ۱۰(۱), ۳-۲۶.

- Emmons,r.(۲۰۰۰b)spirituality and intelligence:prospects.the international journal for the psychology of religion,۱۰(۱),۵۷-۶۴
- Geula,k(۲۰۰۴).emotional intelligence and spiritual development.paper presented at the forum for integrated education and educational reform sponsored by the council for globalintegrative education,santa cruz,ca,october۲۸-۳۰.
- Harmer,r&fullon.(۲۰۰۹).the role of emotional intelligence in the pursuit of a spiritual life: implications for individuals in organizations.australion catholic university.
- Pertwi,e. (۲۰۰۹) ,influence of emotional and spiritual intelligence from the national education philosophy towards language skills among secondary school students.european journal of social sciences,vol.۹ no.۱,pp:۶۱-۷۱.
- Puchalski, c.m.droff, rabbi. E: hendi, iman. Yahya. (۲۰۰۴)spirituality, religion, and healing in palliative care. Journal of clingeriatrmed, ۲۰,۶۸۹-۷۱۴.
- Salsman,j.m.tramara.l:brechting.(۲۰۰۵).the link between religion and spirituality and psychological adjustment.journal of society for personality and social psychology,inc,۳۱(۴),۵۲۲-۵۳۲.
- Schutte,Nicola.setal(۲۰۰۱).emotional intelligence and inter personal relations.the journal of social psychology,۱۴۱(۴),۵۲۳-۵۳۶.

- Thomas,n.martin,johnc.hafer.(۲۰۰۹)models of emotional intelligence,spiritual intelligence,and performance:attest of tischler,biberman,and mckeage.journal of management,spirituality&religion,vol.۶,issue۳,pp:۲۴۷-۲۵۷.
- Vaughan, F. (۲۰۰۲). What is spiritual intelligence? Journal of Humanistic Psychology, ۴۲(۲), ۱۶-۳۳.
- Zohar,d,marshal,۱(۲۰۰۰,۲۰۰۱),sq:connecting with our spiritual intelligence blooms bury publishing,newyork,ny.



